

- ادامه شرح آیات سوره مبارکه فصلت از آیه ۴۶ تا آیه ۵۰

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

سوره مبارکه فصلت

— ادامه شرح آیات سوره مبارکه فصلت از آیه ۴۶ تا آیه ۵۱

خب سوره مبارکه فصلت؛ فکر می‌کنم تا آخر آیه ۴۵ رو جلسه قبل کار کردیم اگر درست می‌گم بفرمایید؟ یه تایید بدید تا ادامه بدیم. بله. نه تا سر منْ عَمَلٍ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ من فکر می‌کنم گفتیم، تا سر ۴۶ میشه.

اعوذ بالله من شیطان رجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

" مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۴۶) "

من لامن شرطیه هست. هر کسی که عمل صالحی انجام بده یعنی عمل، قائم به صاحب عمل، بیانگر حالش هست اگر عمل صالح مفید باشه خود اون صاحب عمل هم سود می‌بره اگر مضر باشه صاحب عمل هم ضرر میبینه. پس این رفتار خدا در این‌که نفع عمل صالح رو به صاحبش میرسونه و ضرر عمل رو ضرر عمل بد رو باز به صاحبش میرسونه و عقابش میکنه عین عدالت، هیچ ظلمی نیست و به خاطر همین انتهای آیه میگه که وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ اگر ما بیایم این روش رو که هر کسی با عملش یا منتفع بشه یا متضرر بشه اگر این رو ظلم ببینیم پس میاد تو تعداد زیاد میلیون‌ها عمل نیک و بد خداوند اینجا صیغه مبالغه به کار برده ظلام یعنی بسیار ظلم کننده اگر اینجوری باشه خداوند باید ظلام باشه نعوذ بالله که اصلاً اینچنین نیست، خداوند ظلام به بندگان نیست عین عدالت که هرکسی با عمل خودش ثواب یا عقاب ببینه. ممکنم هستش که از این بابت بگیریم که صیغه مبالغه ظلام خواسته به کیفیت ظلم نه بحث میلیون‌ها و میلیاردها عمل که بحث کمیت نباشه کیفیت باشه که انقدر عذاب دوزخ شدید و طاقت فرساست که اگر از کسی غیر از خدا سر میزد قطعاً طرف رو ما ظلام میدونستیم ولی در حالی که خداوند چون خالق خود بشر هست و چون همه اعمال و افعالش بر پایه حکمت این آتش رو هم این عذاب رو هم خود خداوند خلق کرده مثل آتش معمولی نیست پس خداوند ظلام نیست چون

اثر و خاصیت اعمال خود انسان هاست یعنی اگر می بینید عذاب دوزخ طاقت فرساست اعمال ما طاقت فرساست، اگر بهشت با همه لطایفش خیلی لذت داره پس اعمال ما صالح و درجه صلحش خیلی بالاست. پس خداوند به بندگان خودش ظلم نمیکند **وَمَا رَبِّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ** عین عدالت که هرکسی با عملش مجازات بشه چه ثواب چه عقاب.

اما آیه بعد " **إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۖ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ ۖ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (۴۷)**"

إِلَيْهِ ه برمیگردد به خدا چون جمله قبل از رب صحبت کردیم، **يُرَدُّ** فعل مجهول یعنی برمیگردد، **عِلْمُ السَّاعَةِ** الساعه کنایه از قیامت، زمان وقوع قیامت فقط و فقط در اختیار خداوند. چرا الیه رو مقدم آورده دوستان بفرمایید؟ خبر مقدم دیگه، چرا؟ حصر درود بر شما احسنت. حصر یعنی منحصر در خداوند؛ **وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا** مَا چیه اینجا؟ مای موصوله، **ثَمَرَاتٍ** جمع ثمره فاعل **تَخْرُجُ** آنچه که از میوه ها از اون پوشش هاشون خارج میشه. **اَكْمَامٍ** جمع کم با تشدید کم یعنی اون غلاف یا پوسته روی میوه رو بهش میگن کم جمعش میشه اکمام اون چیزهایی که اون میوه که از پوستش در میاد هیچ میوه ای از غلافش بیرون نمیاد **وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ ۖ** هیچ ماده ای حامله نمیشود وضع حمل نمی کند مگر به همراهی علم خدا **إِلَّا بِعِلْمِهِ** پس اینجا هم یک علم انحصاری رو دوباره اضافه میکنه به بحث قیامت علم تشخیص جنسیت اون مورد حمل شده از همون ابتدای نطفه و ابتدای لقاح و علم وضعش که کی این وضع اتفاق میوفته فقط و فقط در انحصار خداست؛ یعنی چی؟ یک نوعی از علم الهی چون علم صفت ذاته گفتیم علم ذات انتزاعی های مختلف داره یعنی ما بهش اضافه میکنیم از لحاظ صفات منظورمون هست خب یعنی خدا داره با این دو تا جمله میگه همه احوالات هر چیزی هر مخلوقی داناست. پس خدای سبحان به همون جهت که، آیه آخر سوره مبارکه لقمان پنج تا علم رو در انحصار خداوند معرفی میکنه. خدای سبحان بدان جهت که آفریدگار اشیا و مخلوقات و احوال اونها رو میگردونه عالم به جزئیات و حالات اونها هست و آگاه به وضع اونها هست و این بهترین تدبیر یعنی چون آیه قبل از رب صحبت میکنه بهترین تدبیر، چون رب میاد تدبیر امور رو انجام میده پس تنها رب و تنها معبود خداوند. پس این آیه در جهت بیان مقام ربوبیت و الوهیت و جمله بعدیش که میگه **وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ** ببینید چند تا نظر تفسیری هست اینجا علامه یکیش رو انتخاب کرده و اون رو تأیید کرده و نظر خودشون هم هست اتفاقاً که میگه یوم یک ظرف، ظروف باید حتماً متعلق داشته باشند متعلقش جمله قالوا؛ یعنی کی گفتند؟ روزی که ینادیهم. ظرف یعنی اون قالب و اون فضای سخن فضای اون اتفاق و حادثه؛ قالوا یه جمله ست قالوا و جمله بعدیش، یه اتفاق یه حادثه است؛ کی اتفاق افتاده؟ تو چه ظرفی؟ **يَوْمَ يُنَادِيهِمْ**. بعضیا اومدن گفتن ظرف یه مطلب تقدیری پنهان که این جا بیان نشده برای اینکه خواسته عظمت رو اشاره بکنه بعضیا گفتن متعلق به یک چیز حذف شده است، اما علامه میگه که متعلق به قالوا. خب دوستان **أَدْنَاكَ** رو صرفش کنید یعنی ببینیم چیه؟ **كَ** مفعول هیچی، باب افعال از ریشه **أَدْن**، خب میشه **أَدْن** که شده **أَدْن** صرفش کرده شده صیغه ۱۴ **أَدْنَا**، ایذان هم که مصدر. **كَ** هم که مفعول. به معنای چیه ایذان؟ نه، اجازه نیست. اعلام این دقت بکنید یه نکته ای از من باشه براتون هیچ وقت **اذن** رو معنای اولش اجازه نیست اجازه در نظر نگیرید اعلام، **استأذان**، استیذان حالا تو باب استفعال اونجا شاید معنای اجازه بده معمولاً **اذن** و مشتقات مختلفش اعلام فاذنوا بحرب مثلاً؛ یعنی در جریان باشید من دارم به شما اعلام می کنم، سوره

توبه اولش هم چنین معنای اعلام میده خیلی کم هستش که معنای اجازه بده آذان احسنت معنای اعلام میده، اذن گوش یعنی چیزی که بهش اعلام میشه و دریافت میکنه پس معنای اجازه معنای دوم و سوم اذن هست. **قَالُوا أَذْنَاكَ مِیْگن چی؟** اعلام می کنیم ما ما متا من شهید ما امروز شهید نیستیم یعنی اصلاً شهادت نمیدیم چه شهادت زبانی یا شهادت مثلاً رویت حضوری یعنی بینیم یعنی شاهد باشیم خب یا زبونمون شهادت بده این دو حالت داره.

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٤٨﴾

وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ یعنی محل فرار مثل گریزگاه و ظن اکثراً در قرآن به معنای یقین، حالا نگیم اکثراً، بعضاً درستش این که بگیم بعضاً به معنای یقین مثلاً **الَّذِينَ يظنون أَنَّهُم مُلَاقُوا رَبِّهِمْ** یقین معنی میده اینجا هم بحث یقین، چند جای دیگه هم ظن به معنای یقین هست. خب معنی می کنم روزی که خدای تعالی مشرکین رو از دور صدا میزنه **يَوْمَ يناديهم** ندا دیگه، گفتیم ندا از دور. دلیلش هم گفتیم به خاطر اینکه اینها تو دنیا خودشون رو نزدیک نمی کردند که صدای حق را بشنوند این تجسم عملشونه یا کنایه از بی اعتنایی هم میتونه باشه. کجا هستند شریکان من؟ خدا بهشون ندا میده، اون شریکانی رو که برای من قائل می شدید کجان؟ اون سنگ و چوب ها یا جن و ستاره و نمیدونم اینا کجان؟ اونا چی میگوین؟ میگوینک به تو اعلام می کنیم ای خدا که هیچ کدوم از ما همچین شهادتی علیه تو نمیدیم که برای تو شریک قائل بشیم اینجا الان داریم حق می دهیم یا این این شهادت زبانی یا بیایم بگیم رویت حضوری یعنی هیچ کدوم از ما ما همچین شریکی رو، خدای بزرگوار خدای متعال، ما همچین شریکی رو برای تو نمی بینیم پس زبانی هم قائل نیستیم به چشم هم نمی بینیم. آیه بعد دقیقاً همینو بیشتر باز میکنه **وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ** و هر چیزی که از قبل برای خداوند قائل بودند از دیدشون پنهان شد این **ضَلَّ عَنْهُمْ** یعنی اگر میتونستن ببینن و نزدیک باشند فاصله زمانی مکانی نداشتند الان دیگه کاملاً ازشون دورند از نظرشون غایب میشن اونها دیگه واقعاً یقین می کنند که هیچ فراری نمی توانند داشته باشند **وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ** و هیچ فرار گاهی گریزگاهی ندارند.

آیه بعد لا یسألم الإنسان من دعاء الخیر وإن مسه الشر فیئوس قنوط ﴿٤٩﴾

لا یسألم الإنسان من دعاء الخیر، لا یسألم ریشه اش چیه بزرگواران؟ سأم. سین همزه میم. مصدر سأم. سأم مصدر نوشتید دقیقاً به معنای ملال و آزدگی. کلمه یئوس و قنوط وزن فعول صیغه مبالغه فعول یأس دیگه ریشه اش دومی هم قنط. هر دوشون به معنای قطع شدن امید، دعا هم که می دونید به معنای طلب درخواست. علت این جحد کفار، این لجبازی، این انکار، عناد شون در مقابل حق رو داره بیان میکنه؛ علتش چیه؟ اولاً که این انسان **لا یسألم الإنسان** باتوجه به مباحثی که امروز داشتیم خدمتون به من بفرمایید این انسان الان کدوم انسان؟ آدم و حوا، نسلند یا کل انسان؟ گفتن نسل. خب کل انسان بله کل انسان ها اینجورین یعنی ویژگی انسان اینه، هیچ وقت از اینکه یه چیز خیری رو برای خودش بخواد خسته نمیشه **لا یسألم الإنسان من دعاء الخیر**. اما قسمت دومش که میگه بعضی از انسان ها اونهایی که معصومند که خب ما باید از این دایره خارج بکنیم دیگه معصومین رو از این دایره ویژگی منفی انسان خارج بکن اگر اونها هم تو همون غالب انسان معصوم نبودند این ویژگی رو داشتند

خب. اگر خیری بهش برسه مشغوله و وقتی که شر بهش میرسه که از آن عاجز میشه از دفع اون شر فوری متوجه پروردگار میشه.

سؤال: سؤال کردن که ظن به معنای گم شدن هست یا دور شدن؟ جفت شه وقتی که انقدر دور میشه که از چشم گم میشه از اون فاصله دید چشمی جدا میشه.

وقتی انسان مایوس میشه تازه متوجه پروردگار میشه اگر خیری بهش برسه مشغوله دچار خودبینی میشه و وقتی شر بهش برسه یئوس و قنوط میشه یعنی نوامید میشه و از رحمت پروردگار حالا ناامید میشه. خب یه بار دیگه بگم انسان از طلب خیر خسته نمیشه هر چه رو که برای زندگیش نافع میبینه در طلبش برمی خیزه اگر شری به او برسه بیش از اندازه دچار ما میگیریم صیغه مبالغه هست دیگه بیش از اندازه دچار نومیدی و یاس میشه چون یه اسبابی رو بهش تکیه داشته که میبینه همه از کار افتادند بعد تو این حالت تازه میخواد یاد خدا بیفته.

سؤال: سؤال کردند که نسل با کل انسان چه تفاوتی دارند؟ وقتی میگیریم کل یعنی حضرت آدم و حوا هم جزو این ویژگی به حساب میان ولی چی اونها رو مستثنی میکنه؟ عصمتشون، عصمت حضرت آدم از این ویژگی منفی اون ها رو مستثنی میکنه نه اینکه آدم و حوا بودنشون متوجه عرض بشید.

خب اما آیه بعد **وَلَّيْنِ اَذْقَنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا اُظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ اِلَىٰ رَبِّي اِنْ لِي عِنْدَهُ لِلْحَسَنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا عَمَلُوْا وَلَنَذِيْقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٥٠﴾**

وَلَّيْنِ اَذْقَنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي و وقتی که بهش یک رحمتی رو از جانب خودمان می چشانیم بعد از اینکه یک ضرری بهش رسیده بود **مَسْتَه** یه ضرری بهش رسیده، قطعاً میگه که این واسه منه یعنی این خیرکه به سمت من اومده از جانب خود من هست خودم مالک این خیرم می خواد این جور ی بگه خیری رو که چشیده یک رحمتی از ناحیه خدا هست خدا هم اون رو به کامش ریخته وگرنه خودش نمی تونست خودش اون خیر رو به سمت خودش جلب کنه چون مالکش نیست اگه مالکش بود که هیچ وقت ازش جدا نمیشد هیچ وقت ضرر بهش نمی رسید که خب، گرفتار نمی شد بازم بعد از اینکه خیر به سمتش میاد دچار غرور میشه میگه که **هَذَا لِي** این من خودم مالک این خیر هستم پس اختیارش رو دارم هر کاری خواستم می تونم باهاش بکنم هر جا که بخوام در اون تصرف میکنم و اینجا در واقع اعتقاد و باور معادیش هم با این بحث خیر و شر زیر سؤال میره یعنی اون جا میگه **وَمَا اُظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً** من فکر نمیکنم اصلاً، یقین دارم که قیامتی نیست **وَلَئِنْ رُجِعْتُ اِلَىٰ رَبِّي** به فرض اینکه من یک بازگشتی به سوی خدا داشته باشم تازه یک سرانجام نیکی هم خواهم داشت **وَلَئِنْ رُجِعْتُ اِلَىٰ رَبِّي اِنْ لِي عِنْدَهُ لِلْحَسَنَىٰ** من یک حسنایی خواهم داشت پس **فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا عَمَلُوْا** ما این لام اول تاکید نون آخرش تاکید یعنی بار تاکیدیش خیلی زیاد، ما قطعاً به کافران خبر خواهیم داد اونها رو آگاه خواهیم کرد از اعمالشون **وَلَنَذِيْقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ** و اونها رو از عذاب غلیظ می چشانیم.

سؤال: خب سؤال کردند که ارتباط این آیات با آیات قبلی؟ تو یک سیاق هستند بحث اون روبیت رو که گفت و منکران روبیت رو در واقع یک اشاره ای بهشون می کنه و ویژگی انسان وقتی که بخواد اون روح انسانی رو منکر

بشه و اون بعدی که خداوند به عنوان یک لطف و به عنوان شرافت بهش عنایت کرده رو اون رو منکر بشه و یا بد تربیتش بکنه و روحش شیطانی بشه همیشه کافر یا همیشه ناباور به معاد.

موفق باشید و التماس دعا برای سلامتی خودتون و خانواده هاتون و سلامتی همه مریض ها یک حمد شفا قرائت بفرمایید.